



## آموزه‌های تربیتی نوع‌گرایانه در دیدگاه رورتی و امکان بهره‌گیری از آن در نظام آموزشی ایران

برزو مولایی<sup>۱</sup>، کامران شاهولی<sup>۲</sup>، سیدمنصور مرعشی<sup>۳</sup>

### چکیده

در طول تاریخ سؤالاتی اساسی در زمینه تحول در نظام‌های رسمی تعلیم و تربیت، همواره از طرف فلاسفه و به تبع آنان از سوی روانشناسان مطرح شده است. یک مکتب فلسفی که در قرن بیستم نظام‌های آموزشی را در حوزه‌ی تعلیم و تربیت تحت تأثیر قرار داد، عمل‌گرایی است که با گسترش مرزهای دانش در عصر حاضر، به علت ناکارآمدی برخی آموزه‌های آن، فلاسفه و اندیشمندان به تجدید نظر در آراء فلسفی و تربیتی و آموزه‌های آن پرداختند و برخی از مضامین آن را متحول نمودند؛ از جمله سردمداران تحول در عمل‌گرایی، ریچارد رورتی است که خود را پیرو دیویی (از پایه‌گذاران عمل‌گرایی) می‌داند، اما در برخی از اصول، راه خویش را از وی جدا نموده و دیدگاهی به نام «نوع‌گرایانه» عرضه نموده است که آن را گونه‌ی تصحیح شده‌ی عمل‌گرایی می‌نامد. پژوهش حاضر با راهبرد کیفی و با راهکار مطالعات کتابخانه‌ای و با رویکرد تحلیلی-انتقادی: الف) توصیفی تحلیلی در مورد اصول و آموزه‌های تربیتی از دیدگاه رورتی با استفاده از منابع دست اول ارائه می‌دهد؛ ب) امکان بکارگیری این دیدگاه را در نظام آموزشی ایران مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد تا چنانچه دیدگاه‌های بازسازی شده با فرهنگ و آموزه‌های دینی ما تعارضی نداشته باشد و در جهت نیل به اهداف تربیتی ما چالشی را ایجاد ننماید، مورد استفاده قرار گیرد.

**واژه‌های کلیدی:** اخلاق گفتمانی، کنش ارتباطی، تربیت اخلاقی، هابرماس

### ۱- مقدمه

از آغاز قرن بیست‌ویکم توجه همگان بیش از گذشته، به نظام‌های رسمی تعلیم و تربیت معطوف شده است تا به کمک ایجاد تحول در آن، جوامع بشری قادر شوند به گونه‌ای سازنده با معضلات و چالش‌هایی که پیش رو دارند، مواجه شوند (مهرمحمدی، ۱۳۷۹). با توجه به اینکه در طول تاریخ سؤالاتی اساسی در زمینه تحول در نظام‌های رسمی تعلیم و تربیت، همواره از طرف فلاسفه و به تبع آنان از سوی روانشناسان مطرح شده است، یک مکتب

۱. کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت، مدرس دانشگاه پیام نور واحد ایزد. borzoo25@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شهید چمران اهواز. k.shahvali@gmail.com

۳. عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز، گروه علوم تربیتی. mmarashi12@yahoo.com



فلسفی که در قرن بیستم نظام‌های آموزشی را تحت تأثیر قرار داده و به سیطره‌ی خود درآورد، عمل‌گرایی<sup>۱</sup> است که جان دیویی<sup>۲</sup> از جمله فیلسوفان پایه‌گذار این مکتب، بیشترین فعالیت را در زمینه تعلیم و تربیت انجام داده است. اما با گسترش مرزهای دانش در عصر حاضر، فلاسفه و اندیشمندان به تجدیدنظر در آراء فلسفی و تربیتی دیویی و اساساً در آموزه‌های عمل‌گرایی پرداختند و برخی از مضامین آن‌را متحول نمودند؛ از جمله سردمداران تحول در عمل‌گرایی، ریچارد رورتی<sup>۳</sup> (۲۰۰۷-۱۹۳۱ م.) است که خود را پیرو دیویی می‌داند، اما در برخی از اصول، راه خویش را از وی جدا نموده است؛ از جمله این‌که به‌جای تجربه در عمل‌گرایی دیویی، زبان را و به جای علم، فرهنگ را جایگزین می‌کند. وی دیدگاهی به نام «نوع‌گرایی<sup>۴</sup>» عرضه نموده است که آن‌را گونه‌ی تصحیح شده‌ی عمل‌گرایی می‌نامد (رورتی، ۱۹۷۹). رورتی از نوع‌گرایانی است که در زمینه تعلیم و تربیت آثار و اندیشه‌های تازه‌ای دارد؛ فلسفه‌ی او به هنر نزدیک‌تر است تا به علم و پیرامون مقولات سنتی رایج در فلسفه‌ی گذشته، به ویژه حقیقت، دانش و عینیت به نقادی پرداخته است (Blakburn, 1990). دیدگاه وی دلالت‌های خاصی برای نظام‌های آموزشی دارد و از این نظر آراء وی قابل تحلیل و بررسی هستند.

این اندیشمند از طرفی دارای مبانی فکری خاصی از جمله نفی عقلانیت، انکار حقیقت و توجه به زبان می‌باشد و از طرفی دیگر، از اصول تربیتی‌ای همچون دموکراسی، عدالت، تساهل و گفتگو، همبستگی انسانی، توجه به دیگران، خودآفرینی و... سخن می‌گوید (رورتی، ۱۹۹۹). به‌علاوه این‌که وی دارای صفات شخصیتی‌ای همچون زبان ساده، منطق روشن‌گر، فروتنی در گفتار، صراحت و شجاعت در رفتار و گفتار، قلم بی‌تکلف و سادگی و صمیمیت در گفتگو با قشرهای مختلف مردم بود که سبب محبوبیت و شهرت وی در امریکا و اروپا گردید (آذرنگ، ۱۳۸۶). و از آن‌جا که این صفات در فرهنگ ما پسندیده و مورد قبول عامه‌ی مردم است، بیم آن می‌رود که تعلیم و تربیت ما با نگاهی ساده‌اندیشانه و سطحی، از همه‌ی اندیشه‌های این متفکر به طور کامل الگوپذیری نماید، در صورتی که برخی از مبانی فکری او با فرهنگ و آموزه‌های دینی ما همخوانی چندانی ندارند؛ به همین‌رو ضرورت دارد دیدگاه‌های تربیتی وی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد تا ضمن معرفی آراء وی به اهالی تعلیم و تربیت، باب نقد و تحلیل دیدگاه‌هایش مفتوح باشد. پژوهش حاضر با راهبرد کیفی و با راهکار مطالعات کتابخانه‌ای و با رویکرد تحلیلی-انتقادی در پی این‌است که در ابتدا در مورد اصول و آموزه‌های تربیتی از دیدگاه رورتی با استفاده از منابع دست اول توصیفی تحلیلی ارائه نماید و سپس در پی پاسخ به این سؤالات است که: آیا در نظام آموزش و پرورش ایران برای تحقق اهداف تربیتی، می‌توان به طور کامل از این نظرات و آراء الگو گرفت، یا امکان بکارگیری آن در نظام آموزشی ما غیرممکن است؟ و یا اینکه با بررسی، تحلیل، نقادی، ترمیم و بازسازی

1 pragmatism

2 John Dewey

3 Richard rorty

4 neopragmatism



آراء وی می‌توان در نظام آموزشی ایران از آنها بهره گرفت؟

## ۲- رویکرد تربیتی رورتی

رورتی از منظر فلسفی، انسان و مسائل انسانی را مورد مطالعه قرار داده است، تا شاید بتواند به تحقق آرمان‌های انسانی کمک کرده باشد؛ اصرار وی بر عاملیت انسانی، خواسته یا ناخواسته موجب طرح نقشه‌ی راهی برای تعلیم و تربیت انسان گردیده و تلویحاً به بیان اهداف تربیتی انسان پرداخته است. رورتی تعلیم و تربیت را به دو مرحله‌ی اساسی پیش از دانشگاه و مرحله دانشگاه تقسیم کرده است. تعلیم و تربیت پیش از دانشگاه، به‌طور غالب، مسئله‌ای مربوط به اجتماعی شدن و کوشش برای تلقین شهروندی است، در صورتی که تعلیم و تربیت دانشگاه، به‌طور غالب، امری مربوط به فردی شدن است؛ امری مربوط به کوشش برای بیدار کردن تخیل فرد، به امید این که وی قادر خواهد شد خود را بازآفرینی<sup>۱</sup> کند (باقری، ۱۳۸۶). از نظر رورتی آنچه در دوران پیش از دانشگاه می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، عناصر همگرایی نام دارند که عبارتند از: جایگزین کردن همبستگی اجتماعی به جای گفتمان عینیت، ترویج توجیه میان‌ذهنی، محور قرار دادن علائق و انگیزه‌ها، متقاعدسازی به جای اعمال زور، بسط اجتماع، تساهل، جامعه‌گرایی و عدالت ورزی. و آنچه در دوره‌ی دانشگاه و پس از دانشگاه می‌تواند مورد توجه قرار گیرد عناصر ناهمگرا نام دارند و عبارتند از: رشد فردیت، رشد خلاقیت، رشد تفکر انتقادی و فراهم آوردن زبان جدید و بسط حدود دموکراسی.

از خلال مباحث مطرح شده توسط رورتی چنین استنباط می‌شود که عناصر همگرا به عنوان اصول تربیتی هدفشان پیوند فرد با جامعه (جامعه‌پذیری) است؛ در صورتی که عناصر ناهمگرا، اصول تربیتی هستند که هدفشان فاصله فرد از اجتماع جهت رشد فردیت و تحقق خودآفرینی<sup>۲</sup> است.

## ۳- اصول و آموزه‌های تربیتی در دیدگاه رورتی

از نظر رورتی، در مرحله‌ی نخست تربیت، فرهنگ اجتماعی که فرد در آن زندگی می‌کند، بسیار مهم و تعیین کننده است و از این رو «همگرایی» و «اجماع»<sup>۳</sup> ویژگی‌های اساسی در این مرحله هستند که بر اساس دیدگاه‌های وی به اصول زیر می‌توان اشاره کرد:

1 Reinvention

2 Self-creation

3 Consensus



### ۳-۱ جایگزین کردن همبستگی اجتماعی به جای عینیت

این اصل که به ویژه در مورد دروس مربوط به علوم طبیعی صادق است، ناظر بر آن است که هیچ‌گونه عینیت و علم مطلق وجود ندارد و همبستگی اجتماعی انسان‌ها با یکدیگر، تنها راهی است که آنها می‌توانند با توسل به آن، داعیه‌های خود را توجیه و پشتیبانی کنند. به بیان ساده‌تر وی معتقد است که علوم همواره در حال تغییرند و ممکن است قضیه‌ی علمی که اکنون مورد توافق بیشتری باشد، جایگزین قضیه‌ی علمی دیگری شود که قبلاً موجّه بوده است.

### ۳-۲ ترویج و توجیه میان‌ذهنی

هنگامی که توجیه داعیه‌های موجود در دروس علوم بر حسب ارتباط آنها با جهان خارج ممکن نباشد، راهی که می‌ماند این است که افراد جامعه، به صورت میان‌ذهنی<sup>۱</sup>، به توجیه داعیه‌های خود برای افراد دیگر جامعه بپردازد. در این اصل تربیتی، عینیت جای خود را به توافق میان‌ذهنی می‌دهد. رورتنی میان دانش و اعتقاد مرزی قائل نیست و عقیده دارد که دانش نیز اعتقاد است، اما اعتقادی که در مورد آن میان افراد بیشتری توافق وجود دارد؛ و این پیش‌فرض ناشی از توافق جمعی است نه قدرت واقعیت‌های عینی.

### ۳-۳ محور قراردادن علائق و انگیزه‌ها

جهت‌گیری توجیه میان‌ذهنی که در اصل تربیتی قبل توضیح داده شد معطوف به برآوردن علائق و نیازهاست. اما علائق و نیازهایی که مغایر با نیازهای جمعی آنان نباشد. در دیدگاه رورتنی هر طرحی که علائق و نیازها را بهتر تحقق بخشد در توجیه میان‌ذهنی قابل قبول‌تر خواهد بود؛ زیرا در اندیشه‌ی وی اعتقاد چیزی جز طرح عمل نیست (باقری، ۱۳۸۶).

### ۳-۴ متقاعدسازی به جای اعمال زور

در تعبیر رورتنی عنصر اساسی لیبرالیسم، نفی خشونت است تا جایی که هیچ چیز را بدتر از خشونت نمی‌داند. از این نظر، زور و اعمال خشونت برای تنظیم روابط میان انسان‌ها مردود است و آنچه باید جایگزین آن شود، متقاعد سازی است. وی در روابط انسانی جوی توأم با اعتماد، با استفاده از سخنان و توصیه‌های غیر دستوری را پیشنهاد می‌کند و معتقد است افراد نباید تنها ایده‌ی خویش را، سند کسب معرفت و حقیقت بدانند، یا توجیهات و استدلال‌ات منطقی یکدیگر را انکار نمایند بلکه با اصلاح و تعدیل علائق و خواسته‌ها، به‌جای زور و خشونت،

1 Intersubjective



همدیگر را متقاعد سازند.

### ۳- ۵ بسط اجماع

اصل بسط اجماع از متقاعدسازی فراتر می‌رود؛ متقاعدسازی در واقع بین کسانی جریان می‌یابد که اعضای یک جامعه‌اند و به مبادی مشترکی اعتقاد دارند؛ اما اجماع، محدود به این حد نیست؛ بلکه می‌تواند و باید بین افراد و اجتماع‌های مختلف نیز جریان یابد. افراد باید به فرهنگ دیگر جوامع و دیگر ادوار تاریخی احترام بگذارند و دامنه‌ی اجماع خود را به‌سوی آنان بسط دهند و سعی نکنند در بستر شرایط تاریخ و قوم خود گرفتار و محبوس گردند. بلکه تا سرحدّ امکان، در راه بسط اجماع تلاش نمایند و چنانچه فردی نتواند با دیگران و یا دیگر فرهنگ‌ها توافق حاصل نماید باید با تحمّل مخالف تساهل<sup>۱</sup> ورزد.

### ۳- ۶ تساهل

در صورتی که اجماع و توافق میان دیدگاه‌های متعارض حاصل نشود، دیدگاه‌های مخالف را باید تحمّل کرد، این اصل تربیتی از نظر رورتی به تساهل معروف است. رورتی به افرادی که عضو جامعه‌ی مشترک هستند، توصیه می‌کند در مواجهه با دیدگاه‌های متعارض، صبر، حوصله و سعه‌ی صدر داشته باشند؛ در مقابل دیدگاه‌های مخالف- در صورت عدم توافق در بحث و گفت‌وگو- تساهل ورزند و نظرات مخالف را محترم شمرده و تحمّل نمایند. در عین حال مدعی است افرادی که بیرون از یک اجتماع هستند، یعنی اصول آن اجتماع را نپذیرفته‌اند، نمی‌توانند دیدگاهی مخالف با اعضای آن اجتماع ارائه نمایند، پس اعضا نیز می‌توانند با او تساهل نورزند؛ زیرا رورتی با مخالفینی که از ریشه، با اصول جامعه‌اش اختلاف دارند قائل به تساهل نیست.

### ۳- ۷ جامعه‌گرایی

رورتی در پایان مرحله دوم تربیت، با تأکید بر دو خصوصیت مشترک آدمیان (احساس رنج و احساس زیبایی) سعی می‌کند افراد یک جامعه را به یکدیگر نزدیک سازد. به اعتقاد وی با تأکید بر این دو احساس مشترک، نوعی رابطه‌ی همدلانه میان آدمیان به‌وجود می‌آید که سبب پیوستن فرد به جامعه می‌شود. جامعه‌گرایی از درون فرد آغاز می‌شود و مبتنی بر احساس مشترک وی با دیگر افراد است که این سبب ایجاد همدلی می‌گردد. این همدلی را از راه‌های متفاوتی می‌توان ایجاد کرد؛ از جمله این راه‌ها می‌توان به نقش هنر، اشاره کرد؛ هنر یکی از عرصه‌هایی است که در آن، آدمیان احساس مشترکشان برانگیخته می‌شود و نوعی احساس همدلی نسبت به دیگر

1 Tolerance



انسانها در درونشان شکل می‌گیرد.

### ۳- ۸ عدالت‌ورزی

این اصل تربیتی که در صدر فهرست ارزش‌های خوب از نظر رورتی قرار دارد، ناظر به هدف جامعه‌ی لیبرال رورتی؛ یعنی عدالت و نفی خشونت است. وی عقیده دارد تجلی عدالت در رفتار افراد، شرط اول تحقق عدالت است. پس هر فرد باید در دفاع از گروه‌های تحت ظلم و یا احیای حقوق تضییع‌شده‌ی گروه‌های اقلیت، بی‌تفاوت نباشد. حسن برابری و مبارزه با تبعیض (نژادی، جنسیتی، طبقه‌ای، علمی و...) را در دیگران ایجاد نماید و خود نیز در خط مقدم عدالت و مبارزه با تبعیض قرار بگیرد. از علاقه‌مندی‌های عمده پست‌مدرنیست‌ها از جمله رورتی، توسعه و رشد سیاستی در تعلیم و تربیت است که فرهنگ همگانی را مورد توجه قرار دهد و رشته‌های علمی در جهت این توجه گام بردارند (Giroux, 1991)؛ منظور آن است که در متون درسی رد پای گرایش‌های مختلف فرهنگی دیده شود و تنها فرهنگ مسلط بر متون درسی حکم نراند.

علاوه بر اصول مذکور که مربوط به دوره‌ی اول تربیت در دیدگاه رورتی می‌باشند، اصول زیر به دیدگاه‌های تربیتی رورتی در دوران دانشگاه مربوط هستند که مهمترین ویژگی‌های آن «رشد خلاقیت» و «خودآفرینی» است.

### ۳- ۹ رشد فردیت

این اصل که در دوره‌ی تربیت دانشگاه و بعد از دانشگاه به‌کار می‌رود، ناظر بر توسعه‌ی هویت فردی آدمی، و ممانعت از حل‌شدن در جریان‌های اجتماعی است. در این اصل باید بر فردیت آدمی و حفظ استقلال وی تأکید شود و برای رهایی او از سلطه‌ی اجتماعی و فرهنگی محیط تلاش شود. در آرمان‌شهر رورتی، جایگاه سازمان اجتماعی هر کسی، این اجازه را می‌دهد که شانس برای خودآفرینی با بهترین توانایی‌هایش داشته باشد. رورتی دو نوع رابطه برای تعلیم و تربیت در جامعه مطرح می‌کند؛ اول: رابطه‌ی کمتر برای تعلیم و تربیت که گاهی اوقات بین نیازهای رقابتی صلح، ثروت و آزادی تعادل ایجاد می‌کند. دوم: رابطه‌ی بیشتر و مهمتر برای تعلیم و تربیت که چگونگی برابری فرصت‌ها در خودآفرینی است و پس از آن جدایی از افرادی است که تنها به استفاده و یا غفلت از فرصت‌های در دسترس‌شان می‌پردازند (Rich, 1996). رورتی معتقد است فرد باید خود را مطیع قواعد بی‌چون‌وچرای جامعه نکند؛ بلکه باید در جهت رشد فردیت خویش، با حس کردن تفاوت‌های خود با دیگران، بتواند مخالف با جامعه حرکت کند و دست به ابتکارات بدیع بزند. چون علائق و نیازهای افراد با یکدیگر متفاوت است، هر کس می‌تواند به توصیف و تعریف مجدد خویش بپردازد؛ بنابراین فرد در جریان تعلیم و تربیت و زندگی اجتماعی صاحب این اختیار خواهد بود که خلاف تصمیمات دیگران در چارچوبی که رشد فردی وی را محقق



نماید به سوی خودآفرینی حرکت نماید.

### ۳-۱۰ رشد تفکر انتقادی

با توجه به انتظارات رورتی در دوره‌ی دوم تربیت از فرد، در این دوره فرد باید بتواند در مورد مفاهیم متعارف تردید کند و به چالش با آنها بپردازد تا سرانجام مفاهیم اصیل و بدیل به وجود آورد. زمینه‌ی ایجاد این توانایی، توسعه‌ی تفکر انتقادی در آدمی است. رشد تفکر انتقادی در آدمی سبب می‌شود که فرد با امور پیرامون خویش فعالانه و نقادانه روبه‌رو شود و بدون متقاعدشدن چیزی را نپذیرد. فرد در این اصل در تمام مفاهیم متعارف تردید می‌نماید، هیچ چیزی را قانون قطعی نمی‌داند، در برخورد با مسائل و پدیده‌ها بدون تفکر تسلیم به پذیرش آنها نمی‌شود، به فرهنگ و سنت ایستا بسنده نمی‌کند، بلکه همیشه به تفکر در مورد پویایی فرهنگ و سنت‌ها و اصلاح آنها می‌پردازد.

### ۳-۱۱ رشد خلاقیت

خودآفرینی، هدف نهایی تعلیم و تربیت در اندیشه‌ی رورتی است که مورد توافق بیشتر مربیان پست‌مدرنیست نیز می‌باشد و از جایگاه خاصی برخوردار است؛ زیرا ریشه‌ی بسیاری از اصول تربیتی، در این اصل (خلاقیت) نهفته است. رورتی معتقد است که اگر فرد فقط به تردید امور بسنده کند و توانایی آفرینش‌های جدید را نداشته باشد، به سمت پوچ‌گرایی پیش خواهد رفت. رورتی عقیده دارد که هرگونه قدرت استعلایی و وابستگی آدمی و سنت‌ها به آن باید نفی شود و همه چیز انسانی و زمینی تعریف شود (قداست‌زدایی از سنت‌ها). از دیدگاه رورتی فرد باید با قداست‌زدایی از سنت‌ها وابستگی خود را نسبت به آنها به چالش بکشاند، و با زیر سؤال بردن سنت‌های حاکم به توصیف مجدد خویش دست بزند و با سوءاستفاده‌ی خلاقانه از زبان، به استعاره‌های دور از ذهن بپردازد. وی معتقد است که افراد با بهره‌گیری از خصیصه‌ی امکانی<sup>۱</sup>، می‌توانند زبان را به طرز نوینی به کار گیرند و توصیف‌های نوینی را ارائه دهند؛ و با ایجاد کارهای هنری، دامنه‌ی خلاقیت فردی را گسترش داده و خود را از محصور ماندن در تبیین‌های رایج و نگاه‌های متعارف رهایی بخشند.

### ۳-۱۲ فراهم آوردن زبان جدید و بسط حدود مردم‌سالاری: رورتی معتقد است چون زبان دارای خصیصه‌ی

امکانی است پس خصوصیت بازنمایی واقعیت‌ها را ندارد و بنابراین چنین نیست که در توصیف‌های معینی بتوانند

#### 1 Contingency

\* از اساسی‌ترین مفاهیم مورد نظر رورتی که می‌توان از آن به عنوان عنصری مرکزی نام برد، خصیصه‌ی امکانی است. رورتی با تأکید بر خصیصه‌ی امکانی، قطعیت‌ها را انکار می‌کند، عینیت‌ها را کنار می‌گذارد و آدمی را در درون و برون با شرایطی احتمالی و ناپایدار روبه‌رو می‌سازد (رورتی، ۱۹۸۹). در این وضعیت همه‌چیز بی‌ثبات و قابل تبدیل فرض می‌گردد که می‌توان با خلاقیت و در صورت لزوم آنرا دگرگون ساخت.



برای همیشه ثابت باشند، به این دلیل که واقعیت‌ها را نشان می‌دهند و واقعیت نیز ریشه دار و ثابت است. در این اصل افراد نیاز به فهم قوت و غنای سنت‌های فرهنگی دیگر و صداهای مختلف دارند و باید یاد بگیرند که چگونه عمل کنند و در مباحث سیاسی، شرکت فعالانه‌ی انتقادی و اخلاقی داشته باشند. همچنین نباید واژگان خویش را واژگان نهایی محسوب کنند تا سبب محدود کردن حدود دموکراسی شود بلکه با آگاهی از خصیصه‌ی امکانی زبان در جهت آفریدن استعاره‌های نو و حتی «سوءاستفاده‌ی خلاقانه از زبان» تلاش خواهد کرد تا با شکستن اجتماع به منزله‌ی پیش بردن مردم‌سالاری و آفریدن حقوق جدید در پی بسط حدود مردم‌سالاری باشد. بنابراین این وضع اجتماعی موجود را وضع نهایی تلقی نمی‌کند، بلکه می‌تواند آن را با خلاقیت در مسیر دیگری هدایت نماید.

#### ۴- نقد و بررسی دیدگاه‌های رورتی

در ادامه آراء و اصول تربیتی وی به تفکیک، تحلیل شده و سپس امکان بهره‌گیری از آنها را در نظام آموزشی ایران مورد بررسی قرار می‌دهیم.

#### ۴-۱ ترویج و توجیه میان‌ذهنی

در دیدگاه رورتی هنگامی که توجیه داعیه‌های موجود در دروس و علوم بر حسب ارتباط آنها با جهان خارج ممکن نباشد، راهی که می‌ماند این است که افراد جامعه به صورت میان‌ذهنی به توجیه داعیه‌های خود برای دیگر افراد جامعه بپردازند. در نظام آموزش ایران، توجیه داعیه‌های موجود در دروس و علوم، بر حسب ارتباط آنها با جهان خارج صورت می‌گیرد نه بر حسب توجیه میان‌ذهنی؛ در نظام آموزشی ما، توافق بین‌ذهنی نمی‌تواند جایگزین قدرت واقعیت‌های عینی گردد. در نتیجه در نظام آموزشی ایران، معلم با تأکید بیشتر بر استدلال ذهنی با جهان خارج و تأکید کمتر بر استدلال میان‌ذهنی، با دانش‌آموزان ارتباط برقرار می‌نماید. دانش‌آموزان نیز به جای ارتباط و توافق میان‌ذهنی، جهت درک واقعیت و کسب معارف، بین ذهن و جهان ارتباط برقرار می‌نمایند تا ذهن را با عین بسنجند. فضای تعلیم و تربیت بر این اصل استوار خواهد بود که نقش تعیین‌کننده به استدلال بین ذهن و جهان داده شود نه استدلال طرفینی و میان‌ذهنی، آنگونه که رورتی معتقد است. بنابراین «ترویج و توجیه میان‌ذهنی» به عنوان یک اصل تربیتی در دیدگاه رورتی، در نظام آموزشی ایران که عینیت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، کارآیی چندانی نخواهد داشت.





## ۴-۲ محور قراردادن علائق و نیازها:

بارزترین جنبه‌ی دیدگاه عمل‌گرا در توجه به علائق و نیازها اعم از شکل فردی و اجتماعی آن است. جهت‌گیری توجیه میان‌ذهنی که در اصل پیش‌نیز عنوان شد، معطوف به برآوردن علائق و نیازها است. در دیدگاه رورتی در مرحله‌ی اول تربیت تأکید بر رفع نیازهای جمعی است و در مرحله‌ی دوم تربیت تأکید بر نیازهای فردی است؛ بدین‌گونه که در مرحله‌ی اول تربیت فرد باید از نیازهای شخصی چشم‌پوشد و به نیازهای جمعی تمکین نماید، در صورتی که در مرحله‌ی دوم تربیت باید به نیازهای فردی توجه کرد؛ هر چند این نیازها به منزله‌ی تزییع حقوق و نیازهای جمعی باشند. در نظام تربیتی ایران نیز توجه به نیازهای درون و مسائل پیرامونی معلم و شاگرد یکی از اصول مهم تعلیم و تربیت است؛ یعنی فعالیت‌هایی که در جریان تعلیم و تربیت صورت می‌پذیرد باید چنان تنظیم شود که ناظر به نیازهای فراگیران باشد. اما در عین حال در نظام آموزشی ما، جست‌وجوی راه‌حل و پاسخ به نیازها و مسائل آدمی نباید چنان انجام شود که به مطابقت با واقعیت‌های جهان و انسان و شواهد مربوط به آن بی‌اعتنا باشد، آن‌گونه که رورتی انتظار دارد؛ زیرا ممکن است راه‌حلی در کوتاه‌مدت برای رفع نیازها و مسائل آدمی کارآمد باشد، اما عدم مطابقت آن با واقعیت‌های جهان و انسان در بلندمدت آشکار شود. بنابراین باید با تکیه بر شواهد و قراین به علوم مطابق با واقعیتی توجه کرد که با نیازها و مسائل فردی و اجتماعی نیز ارتباط داشته باشد.

در رابطه با این اصل، نکته‌ی مهمی که در نظام تربیتی ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و در دیدگاه رورتی مسکوت مانده، اصل جامع‌نگری به نیازها و هدایت آنهاست. این اصل بیانگر آن است که در تعلیم و تربیت باید: اولاً به همه‌ی نیازهای اساسی توجه نمود و ثانیاً برای نیازهای کاذب یا جانبی به تنظیم و هدایت آنها پرداخت (باقری، ۱۳۸۹)؛ یعنی پاسخ به نیازهای حیاتی و متعالی باید هر دو در تعلیم و تربیت مورد توجه قرار گیرد. در نظام تربیتی ایران نیازهای متعالی نسبت به نیازهای حیاتی اولویت رتبی دارند در حالیکه نیازهای حیاتی نسبت به نیازهای متعالی اولویت زمانی دارند. در این نظام تربیتی علمی که به نیازهای اساسی از نوع متعالی پاسخ می‌دهند از بالاترین سطح، علمی که به نیازهای حیاتی پاسخ می‌دهند از سطح متوسط و علمی که به نیازهای کاذب و جانبی پاسخ می‌دهند از نازل‌ترین سطح برخوردارند؛ در صورتی که در اندیشه‌ی رورتی این سلسله مراتب نیازها وجود ندارد و هر نوع نیازی که علاقه و انگیزه فرد را برانگیزد پاسخ به آن ضروری است؛ حتی اگر این نیازها کاذب بوده و یا در مسیر نادرستی باشد. بنابراین بهره‌گیری از این اصل تربیتی رورتی در نظام آموزشی ایران در صورتی امکان‌پذیر است که: اولاً نیازها و علائق دانش‌آموزان به مطابقت با واقعیت‌های جهان، انسان و شواهد مربوط به آن بی‌اعتنا نباشند، ثانیاً نیازهای فردی و جمعی در تعارض با یکدیگر نبوده و به مراحل خاصی از تربیت مربوط نباشند بلکه در تمام دوره‌های تربیت مورد توجه قرار گیرند و ثالثاً علائق و نیازهای حیاتی مقدمه‌ای برای



برانگیختن علائق و انگیزه‌ها جهت دستیابی به نیازهای متعالی باشند.

#### ۳-۴ جایگزین کردن همبستگی به جای عینیت:

رورتنی نائل شدن به شناخت عینی پدیده‌ها را که در دیدگاه‌های سنتی مورد قبول قرار گرفته، ناممکن می‌داند. وی هنگامی که توجیه داعیه‌ها را از طریق توسل به عینیت امکان‌پذیر نبیند تنها راهی که توسل به آن توانایی توجیه و پشتیبانی داعیه‌ها را مقدور می‌سازد، همبستگی اجتماعی می‌داند. وی معتقد است که یک سخن، نه از آن نظر قابل دفاع و موجه است که حقیقت دارد و با واقعیت‌ها منطبق است، بلکه بر این اساس قابل دفاع است که افراد بیشتری از جامعه بتوانند در مورد آن به «اجماع» نائل شوند (باقری، ۱۳۸۴). در مقابل این دیدگاه باید متذکر شد که اولاً: پاره‌ای از اصول عینی از جمله قوانین فیزیک و شیمی وجود دارد که نه تنها در نظام تربیتی ایران بلکه در هیچ نظام آموزشی نمی‌توان همبستگی اجتماعی را جایگزین عینیت آنها نمود. ثانیاً: هر چند در نظام آموزشی ایران، همبستگی اجتماعی به ثبات و تقویت پاره‌ای از سنت‌ها و مفاهیم متعارف کمک می‌کند و یا اینکه در اموری مشورت و هم‌اندیشی می‌تواند در حل مشکلات کارساز واقع گردد، اما چنین نیست که عینیت به کلی کنار گذاشته شود. همچنین باید متذکر شد که یکی از ویژگی‌های علم در اسلام مطابقت آن با واقعیت است. بر این اساس علم هنگامی که حاصل شود، مطابق با واقع است و هنگامی که عدم مطابقت آن ملاحظه شود در حکم آن است که اصلاً علمی حاصل نشده است (باقری، ۱۳۸۹). در صورتی که رورتنی با تأکید بر این اصل تربیتی، از عینیت به کلی دست شسته و همبستگی اجتماعی را جایگزین آن نموده است. در نظام آموزشی ایران نه تنها گفت‌وگو از عینیت در جریان تدریس ممنوع نخواهد بود، بلکه عینیت است که توافق و همبستگی اجتماعی را ممکن می‌سازد و نه تنها ذهن در مقابل عین قرار نمی‌گیرد بلکه ذهن در تعامل با عین قرار خواهد گرفت و آنگاه ذهن با عین سنجیده خواهد شد؛ زیرا نظام تربیتی ایران معتقد به وجود عینیت مطلق است و همبستگی اجتماعی را جایگزین مناسبی برای آن نخواهد دانست. بنابراین به کارگیری این اصل تربیتی رورتنی در نظام آموزشی ایران کاربرد مهمی نخواهد داشت.

#### ۴-۴ متقاعدسازی و تساهل به جای اعمال زور:

همان‌طور که بیان شد، در تعبیر رورتنی عنصر اساسی لیبرالیسم، نفی خشونت است تا جایی که هیچ چیز را بدتر از خشونت نمی‌داند. از این نظر، زور و اعمال خشونت برای تنظیم روابط میان انسان‌ها مردود است و آنچه باید جایگزین آن شود متقاعدسازی است (باقری، ۱۳۸۶). گرچه ظاهر این اصل تربیتی زیبنده به نظر می‌رسد اما در نظام آموزشی ایران آن‌گونه که رورتنی انتظار دارد مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. رورتنی معتقد است که اعمال زور و



خشونت همیشه و در همه جا مردود است. اما در نظام تربیتی ایران اگرچه بسیار سفارش به حسن خلق، ملائمت در رفتار و جدال احسن شده است، لیکن اعمال خشونت را در همه جا مردود ندانسته و حتی در مقابل پادشاهان ستمگر، متکبران جبار و یا حاکمان مستبد که همه چیز را برای خود می‌خواهند، خشونت و اعمال زور را لازم دانسته‌است؛ کما اینکه پیامبران و ائمه در رسالت خویش جایی که متقاعدسازی و موعظه و امر و نهی را مؤثر نمی‌دیدند به خشونت در مقابل آن اقدام می‌کردند. در مورد تساهل نیز اگر چه رورتی آن را این‌گونه تعبیر کرده است که: «در صورت عدم اجماع و توافق میان دیدگاه‌های متعارض، باید دیدگاه مخالف را تحمل نمود»؛ اما از آن جا که رورتی در خصوص افرادی که اختلاف ریشه‌ای با اجتماع مورد نظر وی دارند حاضر به تساهل نیست؛ به نظر می‌رسد تساهل در نظر وی بیشتر معنای پذیرش دیدگاه مخالف است تا تحمل آن. در نظام تربیتی ایران تساهل با همه‌ی دیدگاه‌ها و بنای بنیاد گفت‌وگو با آنها ممکن است اما تساهل به معنای پذیرش دیدگاه مخالف نیست، بلکه تحمل دیدگاه مخالف و دعوت به گفت‌وگو است. در مجموع امکان بهره‌گیری از اصول تربیتی «متقاعدسازی به جای اعمال زور» و «تساهل» در نظام تربیتی ایران تنها در صورتی که به شرح مذکور تعدیل شوند، وجود دارد.

#### ۴-۵ رشد تفکر انتقادی و خلاقیت:

رورتی، آموزش این اصول تربیتی را به مرحله‌ی دوم تربیت یعنی مرحله‌ی دانشگاه موکول می‌نماید. رشد خلاقیت که همان «خودآفرینی» است هدف تعلیم و تربیت در اندیشه‌ی رورتی می‌باشد که مورد توافق بیشتر مریبان پست‌مدرن بوده و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. رورتی معتقد است که نه تنها فرد به تردید در امور بسنده نمی‌کند بلکه باید توانایی آفرینش‌های جدید را داشته باشد تا به سمت پوچ‌گرایی نرود. وی از روش‌های معطوف به این اصل مواردی را نام می‌برد از جمله: ۱- روش استفاده از آفرینش‌های هنری که این آفرینش‌ها، دایره‌ی دید فرد را وسعت می‌بخشد و چون هنر فضایی است که حالتی خیالی دارد در آن دست آدمی برای خلاقیت باز است. ۲- روش قداست‌زدایی از سنت‌ها: رورتی معتقد است در این روش هرگونه قدرت استعلایی و وابستگی آدمی به سنت‌ها نفی می‌شود و همه چیز انسانی و زمینی تعریف می‌شود. ۳- روش استعاره‌سازی: در این روش نیز رورتی معتقد است که فرد با بهره‌گیری از خصیصه‌ی امکانی زبان، می‌تواند آن را به طرز نوینی به کار گیرد و توصیف‌های نوینی را ارائه دهد (باقری و سجادیه، ۱۳۸۴). با توجه به این نکات، در نظام آموزشی ایران برای ایجاد خلاقیت می‌توان از روش اول بهره گرفت اما به شرطی که اولاً: این اصل تربیتی و روش‌های معطوف به آن به مرحله‌ی دوم تربیت یعنی از سن هیجده سالگی به بعد محول نشود بلکه زمینه‌ی فراهم‌شدن خلاقیت از همان اوان رشد کودک و شروع تربیت وی به کار گرفته شود تا افرادی که وارد دانشگاه نمی‌شوند از رشد خلاقیت بی‌بهره



نمانند. ثانیاً: روش استعاره‌سازی از سنت‌ها تعدیل شود، به گونه‌ای که پاره‌ای از سنت‌ها وارد صافی قداست‌زدایی نشوند؛ زیرا نظام تربیتی ایران نشأت گرفته از نظام وحی الهی است و نمی‌توان وحی الهی و سنت‌های نشأت گرفته از آن را زمینی و طبیعی تعریف کرد و از آنها قداست‌زدایی نمود.

در اصل «رشد تفکر انتقادی» نیز انتظاراتی که رورتنی در دوره دوم تربیت از فرد دارد (طعن‌گرایی و خودآفرینی) این است که فرد بتواند در مورد مفاهیم متعارف تردید نماید و به چالش با آنها بپردازد تا سرانجام مفاهیم اصیل و بدیع به وجود آورد. وی روش‌های معطوف به این اصل را این‌گونه ذکر می‌کند: ۱- روش ارائه‌ی مثال‌های نقض اصول کلی: فرد در این روش درباره‌ی تمامیت قانون شک می‌کند و به جای تأکید بر مرجعیت قوانین بیشتر بر موارد نقض آنها اشاره دارد. ۲- روش مواجه کردن با موقعیت‌های چالش برانگیز: فرد در این روش به تردید در معلومات صوری و متعارف، به تفکر درباره‌ی تبیین‌های تازه می‌پردازد و فرد با مشاهده‌ی پاسخ نگرستن از راه‌حل‌های متعارف خویش، در اعتبار همیشگی آنها تردید می‌نماید. اصل تربیتی «تفکر انتقادی» در دیدگاه رورتنی، بارزترین اصل تربیتی است که در نظام تربیتی ایران می‌توان از آن بهره گرفت، کما آن‌که این اصل همواره در قرآن و روایات اسلامی نیز مورد تأکید و سفارش قرار گرفته است تا جایی که آیات زیادی از قرآن را به خود اختصاص داده است. اما به‌کارگیری این اصل تربیتی و زمینه‌های فراهم‌شدن آن، از بدو تربیت افراد مورد توجه است و برخلاف دیدگاه رورتنی چنین نیست که به سن هیجده سالگی به بعد و مختص افرادی باشد که وارد دانشگاه می‌شوند، بلکه آموزش تفکر انتقادی در هر سنی و برای هر فردی امکان‌پذیر است. همچنین از روش‌های آموزش تفکر انتقادی در اندیشه‌ی رورتنی، از روش «ارائه‌ی مثال‌های نقض اصول کلی»، در نظام آموزشی ایران آن‌گونه که وی انتظار دارد نمی‌توان بهره گرفت، زیرا اصول کلی چنانچه مثال نقض داشته باشند دیگر اصلیت آنها از بین خواهد رفت و گرنه افراد نسبت به قوانین و اصول علمی بی‌اعتماد شده و هیچ چیزی را یقینی نخواهند دانست. در نظام آموزشی ایران روش «ارائه‌ی مثال‌های نقض مفاهیم متعارف» می‌تواند جایگزین بهتری برای این اصل تربیتی در اندیشه رورتنی گردد، در آن صورت می‌توان از آن در نظام آموزشی بهره گرفت. در مجموع دو اصل تفکر انتقادی و رشد خلاقیت در دیدگاه رورتنی در صورتی که تعدیل شوند کمترین فاصله را با نظام آموزشی ایران دارند و می‌توان تا حدودی از آنها استفاده کرد.

#### ۴-۶ جامعه‌پذیری و رشد فردیت:

اصل تربیتی جامعه‌پذیری در دیدگاه رورتنی ناظر بر ورود آدمی به اجتماع و برقراری ارتباط با اطرافیان و افراد جامعه است که هدف آن پذیرش جامعه و شرایط فرهنگی- تاریخی آن است تا آدمی به همگرایی با جامعه خویش نائل شود. رورتنی جامعه‌پذیری را مربوط به مرحله‌ی اول تربیت یعنی قبل از هیجده سالگی (قبل از ورود



به دانشگاه) می‌داند که با روش‌های گفت‌وگو به منظور برقراری ارتباط و تقویت هویت جمعی با شناساندن قهرمانان ملی قابل تعلیم به افراد است. رشد فردیت نیز که در تقابل با جامعه‌پذیری قرار دارد ناظر بر توسعه‌ی هویت فردی آدمی و ممانعت از حل شدن در جریان‌های اجتماعی برای رسیدن به استقلال فردی و نهایتاً خودآفرینی است. این اصل تربیتی در دیدگاه رورتی با روش‌های: «اعطای بینش در راستای یافتن امکانهای وجودی خود» و «برجسته‌سازی فهم و علاقه‌ی فردی»، قابل آموزش به افراد است (باقری و سجادیه، ۱۳۸۴). همچنین رورتی انسان را موجودی دو بعدی (فردی و اجتماعی) می‌داند که ابعاد آن قابل جمع نیستند (رورتی، ۱۹۹۸)؛ در صورتی که در نظام تربیتی ایران، انسان موجودی دوبعدی است که بعد فردی، او را از مقهور ساختن و حل شدن در جمع مانع می‌شود و بعد اجتماعی، او را در جریان پیوند و دادوستد با دیگران و هم‌هویتی با آنان قرار می‌دهد، که این دادوستد نیز اراده‌ی شخصی را از او سلب نمی‌کند. باید توجه داشت که در نظام تربیتی ما، ابعاد وجودی فرد با هم قابل جمعند؛ یعنی بعد فردی در جهت حفظ روابط جمعی به کار گرفته می‌شود و بعد جمعی نیز برای تلاش در جهت رشد فردیت با کمک جمع است و زمینه‌سازی جهت رشد این ابعاد وجودی انسان از بدو تولد مورد توجه و عنایت نظام آموزشی می‌باشد. بنابراین بهره‌گیری از این اصول تربیتی رورتی با روش‌های پیشنهادی وی در صورتی امکان‌پذیر است که رشد فردیت و رسیدن به خودآفرینی (کمال) در متن جامعه و برای خدمت به جامعه صورت پذیرد و هدف جامعه‌پذیری افراد به رشد فردی و کمال انسانی آنها منجر شود و این دو بعد در تکامل یکدیگر و از بدو تولد در نظر گرفته شوند.

## ۵- نتیجه‌گیری

با توجه به ضرورت توجه به دیدگاه‌های نوین تربیتی از جنبه‌های مختلف و تحلیل و نقد آنها با در نظر گرفتن شرایط فرهنگی و دینی جامعه، به نظر می‌رسد کلیت دیدگاه‌های رورتی با نظام آموزشی ما همخوانی ندارد و این بیشتر به سبب مبانی فلسفی تفکرات ایشان است و از بحث این مقاله خارج می‌باشد. برخی اصول تربیتی مورد نظر وی مانند «ترویج و توجیه میان‌ذهنی» و «جایگزین کردن همبستگی به جای عینیت» با مبانی فکری، دینی و فرهنگی جامعه‌ی ما تعارض داشته و امکان بکارگیری آنها در نظام آموزشی وجود ندارد؛ اما از میان آراء تربیتی وی بسیاری نکات مثبت هم می‌توان یافت که با بومی‌سازی آنها و تلفیق با آموزه‌های دینی و اعتقادی، می‌توان از آنها در جهت بهبود کیفی نظام آموزشی در آینده سود جست؛ از جمله این آراء می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

✓ بکارگیری اصل «محور قراردادن علائق و نیازها» به صورتی که: اولاً نیازها و علائق دانش‌آموزان به مطابقت با واقعیت‌های جهان، انسان و شواهد مربوط به آن بی‌اعتنا نباشند، ثانیاً نیازهای فردی و جمعی در تعارض با یکدیگر نبوده و به مراحل خاصی از تربیت مربوط نباشند بلکه در تمام دوره‌های تربیت مورد توجه قرار گیرند و ثالثاً علائق



و نیازهای حیاتی مقدمه‌ای برای برانگیختن علائق و انگیزه‌ها جهت دستیابی به نیازهای متعالی باشند.

✓ تعدیل اصل «متقاعدسازی و تساهل به جای اعمال زور» با توجه به اینکه در نظام تربیتی ما نیز تساهل با همه‌ی دیدگاه‌ها و بنای بنیاد گفت‌وگو با آنها ممکن است اما تساهل به معنای پذیرش دیدگاه مخالف نیست، بلکه تحمل دیدگاه مخالف و دعوت به گفت‌وگو است.

✓ استفاده از روش «ارثه‌ی مثال‌های نقض مفاهیم متعارف» برای جایگزینی شیوه‌های پیشنهادی رورتی در اصول «رشد تفکر انتقادی» و «خلاقیت» زیرا در مجموع این دو اصل کمترین فاصله را با نظام آموزشی ایران دارند.

✓ تعدیل اصل «جامعه‌پذیری و رشد فردیت» به صورتی که رشد فردیت و رسیدن به خودآفرینی (کمال) در متن جامعه و برای خدمت به جامعه صورت پذیرد و هدف جامعه‌پذیری افراد به رشد فردی و کمال انسانی آنها منجر شود و این دو بعد در تکامل یکدیگر و از بدو تولد در نظر گرفته شوند.

### منابع

- آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۸۶). صلح و آرامش رورتی با پلی میان قلمرو خصوصی و عمومی. کتاب ماه فلسفه، شماره‌ی ۶.
- باقری، خسرو (۱۳۸۴). مراحل و اصول تعلیم و تربیت در دیدگاه نوع‌گرای ریچارد رورتی. مجله‌ی روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، سال ۳۵، شماره‌ی ۱.
- باقری، خسرو (۱۳۸۶). نوع‌گرای و فلسفه‌ی تعلیم و تربیت. انتشارات دانشگاه تهران.
- باقری، خسرو (۱۳۸۹). درآمدی بر فلسفه‌ی تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران (جلد اول). انتشارات علمی و فرهنگی.
- باقری، خسرو؛ سجادیه، نرگس (۱۳۸۴). عاملیت آدمی از دیدگاه ریچارد رورتی و پیامدهای آن در تربیت اجتماعی. فصلنامه‌ی نوآوری‌های آموزشی، سال ۴، شماره‌ی ۱۳.
- رورتی، ریچارد (۱۹۹۸). پیشامد، بازی و همبستگی. ترجمه‌ی یزدانجو، پ. نشر مرکزی.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۷۹). بازاندیشی فرایند یاددهی - یادگیری و تربیت معلم. نشر مدرسه.

Blackburn, S. (1990) Oxford dictionary of philosophy, new York, Oxford u.press.

Reich, R. (1996) The paradoxes of education in Rorty liberal utopia, Stanford University©(1996-2004) PHILOSOPHY OF EDUCATION SOCIETY.

Rorty, R. (1979) Philosophy and the mirror of nature. Cambridge: university press.

Rorty, R. (1989) Contingency, irony, add solidarity. Cambridge: university press.

Rorty, R. (1999) Philosophy and social hope. Harmondsworth: penguin.



## بررسی جایگاه تربیت بدنی کودکان در اسلام با تاکید بر فلسفه تربیتی بازی های جسمی

علی ستاری<sup>۱</sup>، الهام صفرنواده<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف این پژوهش بررسی جایگاه تربیت بدنی کودکان در اسلام با تاکید بر فلسفه تربیتی بازی های جسمی است. پژوهش با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی انجام شده است. در مراحل انجام پژوهش ابتدا جایگاه و اهمیت تربیت بدنی کودکان با استفاده از متون و منابع اسلامی بررسی و تعیین گردید. سپس فلسفه تربیتی بازی به عنوان یکی از وجوه مهم تربیت بدنی کودکان بررسی و مبانی و اصول متناظر با آن استخراج شد. نتایج نشان گر آن است که بازی های مبتنی بر تحرک جسمی برای کودکان در اسلام جایگاه و اهمیت بالایی دارد و به عنوان یک ابزار تربیتی دارای مبانی و اصول خاصی در تربیت اسلامی است. در این میان بازی های تمرکز یافته بر تربیت بدنی کودکان مهم تر هستند. بازی های جسمی زمینه ساز تربیت روحی کودکان در آینده می شود و به ادراکات حسی، تخیلی و عقلی کودکان در مراحل رشد کمک می نماید. از اینرو توجه به ابعاد مختلف بازی های جسمی و لحاظ نمودن آن در برنامه های تربیتی از سوی برنامه ریزان و مربیان با رویکرد به تربیت اسلامی ضرورت دارد.

**کلمات کلیدی:** تربیت بدنی، تربیت اسلامی، فلسفه تربیتی، بازی، بازی جسمی

### ۱. مقدمه

کودکی اولین و مهم ترین دوره زندگی آدمی است. کودک در این دوره برای نخستین بار با محیط ارتباط برقرار می کند، روابط اجتماعی خود را بنا می نهد و به مفهومی از خود و دیگران دست می یابد. لذا اندیشمندان مختلفی دوران کودکی را دورانی سرنوشت ساز برای دوره های بعد دانسته اند. (مفیدی، ۱۳۹۳، ص ۷) انواع تمایلات انسان در دوران کودکی شکل می گیرد. در این میان یکی از تمایلات انسان، تمایل به بازی است. میل به بازی در دوران کودکی نیازی طبیعی به حساب آمده و عقیده بر آن است که بدون بازی رشد کودک کامل نخواهد شد. (کشاورز، ۱۳۹۱، ص ۶) در منابع اسلامی اعم از آیات و روایات، سیره معصومین و نیز در نظرات اندیشمندان مسلمان، بر نقش بازی در تربیت دوران کودکی تاکید شده است. (داوودی و حسینی زاده، ۱۳۸۹، ص ۸۵) روانشناسان نیز بر نقش بازی در دوران کودکی تاکید کرده و تاثیر آن را در دوره های بعد یادآور می شوند. میلر (۱۳۹۳) یکی از

۱ دانشگاه الزهرا (سلام الله علیها)، گروه علوم تربیتی، تهران، ایران، استادیار فلسفه تعلیم و تربیت، [alisattari@alzahra.ac.ir](mailto:alisattari@alzahra.ac.ir)

۲ دانشگاه الزهرا (سلام الله علیها)، گروه علوم تربیتی، تهران، ایران، دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت، [ghoghnus255@yahoo.com](mailto:ghoghnus255@yahoo.com)